

نوروز فرا رسید و یک سال دیگر بر کارنامه سیاه رژیم فزون گردید

در تاریخ مردمان جهان یکسری آداب و رسوم ها و مناسبت هائی وجود دارد که هیچ ارتباطی به حکومت های حاکم بر سرنوشت آن مردمان نداشته چه بسا در گذر تاریخ، حکومتها همواره برای تهمی کردن زمینه های اجتماعی چنین رویدادهائی سعی کرده اند با اعمال زور و تحریف تاریخ اقدام به تغییر ماهیت و خواستگاه اینگونه مناسبت ها کرده باشند. نوروز نیز یکی از همین رویدادهای فرهنگی خلق های بخشی از جوامع آسیای است که مستثنی از تحریفات معمول تاریخی نبوده است. قلم بدستان حکومتی در طول تاریخ هر آنچه در توان داشتند بر تاریخ تاختند تا به نوروز و تحول طبیعت جایگاه سلطانی و خدایی ببخشند و آن را محدود به آیین و فرهنگ و زبان خاصی کنند. اما نوروز و چرخ تحول طبیعت نه به سیاهی و زور و نه به جهل و خرافات سر خم نکرد و در کشاکش تاریخ نه گاری مزدا توان حمل آن را داشت و نه از عهده ی شتر دین برآمد تا سلاطین و خلفا بتوانند نوروز را موهبت خویش بر مردمان بنامند.

امسال در حالی به پیشواز نوروز و سال ۱۳۹۱ می رویم که شاهد تحولات و خیزشهای گسترده آزادی خواهی و عدالت طلبی توده های مردمی در جای جای دنیا بر علیه دیکتاتوری و نظام عریان سرمایه داری هستیم و از طرفی همچنان رژیمی را بر مسند قدرت می بینیم که ۳۳ سال است غیر انسانی ترین شیوه ها و مناسبات را بر جامعه ایران حاکم کرده است. بحران فقر و گرسنگی ناشی از سیاستهای ضد بشری رژیم اکثریت جامعه را فرا گرفته است و سفره ی خالی توده های تهیدست نه در روز عید بلکه در روزها و فصول دیگر هم نانی در خود نمی بیند. کارگران و اقشار زحمتکش جامعه از ساده ترین امکانات معیشتی بیش از پیش محرومتر گردیده اند. فقر و تهیدستی ناشی از موج بیکاری، اخراجها، عدم دریافت حقوق معوقه که گاه از مرز یکسال نیز گذشته است، تورم افسار گسیخته ناشی اجرای طرح باصطلاح هدفمندی اقتصادی، غارت و چپاول دست رنج کارگران و توده های تحت ستم و استثمار و بحران ساختاری نظام سرمایه داری کمر اکثریت عظیم جامعه، بخصوص اقشار کم درآمد را شکسته و از پایه ای ترین شرایط زیست انسانی محروم نموده است. سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام پاسخی بوده از طرف رژیم جهل اسلامی - سرمایه داری به هر زبان اعتراضی که به پایمال شدن بنیادی ترین حقوق و مطالبات خویش برخاسته است. در ۳۳ سال گذشته رژیم علاوه بر سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی همواره سعی کرده توأم با فشار اقتصادی سرکوب در جامعه را شدت ببخشد تا به زعم خود از طغیان توده های رنج و کار جلوگیری نماید و در سایه سرکوب و خفقان، طرحهای سرمایه دارانه ضد انسانی را پیاده نماید. از تغییر قوانین کار تهمی از حقوق کارگران به نفع کارفرما گرفته تا اجرای اصل ۴۴ و شتاب بخشیدن به روند خصوصی سازی و در نهایت اجرای طرح سوبسیدها همگی بر مدار سرمایه و بر علیه کارگران و زحمتکشان و توده های تهمی دست کماکان با شتاب گسترده روند صعودی بخود گرفته است. فاصله طبقاتی روز بروز عمیق تر و ادامه حیات بر بخش عظیمی از جامعه غیر ممکن گردیده است. با توجه به اینکه رژیم خط فقر را ۹۵۰ هزار تومان برای هر خانوار چهار نفره اعلام کرده، حداقل حقوق کارگری رابرای سال جدید ۳۹۰ هزار تومان تعیین کرده است که بیش از نیمی از کارگران را در بر می گیرد در حالی که طبق آمار بانک مرکزی و مرکز آمار رژیم مرز بیکاری از ۲۲٪ و تورم از ۳۲٪ گذشته است. طبق همین آمار نزدیک به ۴۰ میلیون زیر خط فقر بوده و صرفاً برای زنده ماندن با مرگ دست بگریبان هستند. مسلماً با احتساب تورم واقعی و آمار ۱۰ میلیونی بیکاران و کارگران فصلی وضعیت بمراتب اسفناک تر از آمار ارئه شده توسط رژیم است.

پرواضح است جمهوری اسلامی بدون وابستگی و حمایت سرمایه ی جهانی و امپریالیست ها هرگز نمی توانست و نمی تواند حتی برای یک روز به حیات ننگین خود ادامه دهد. اساس و ماهیت رژیمی که بقا آن بر تولید بحرانهای کاذب در سطح منطقه و جهان و سرکوب در داخل استوار است بر هیچ کسی پوشیده نیست مگر بر ذهنیت های متوهم و ناآگاه. اما آنچه که امروز در سطح مدیای جهانی گوش آدم و عالم را کر کرده است ناقوس حمله به ایران است توسط امپریالیسم جهانی و صهیونیستها و در سوی دیگر خود رژیم. برای پوشالی بودن این تبلیغات کافی است به تنش کاذب بین رژیم و قدرت های جهانی که نزدیکترین هم پیمانان جمهوری اسلامی و اساساً بوجود آورندگان آن می باشند از همان پای گیری رژیم، جنگ هشت ساله ی ایران و عراق، حمله امریکا و متحدانش به عراق و افغانستان و مسابقه دریافت تسلیحات نظامی که توسط دولت های منطقه راه افتاده است توجه کرد و برآیند اتفاقات فوق را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. با قاطعیت می توان گفت نتیجه ی رویدادهای فوق نه تنها منجر به ایحاد تضاد واقعی بین رژیم، امپریالیستها و صهیونیسم نگردیده بلکه فرصتی بوده برای رژیم در مهار بحران درونی و سرکوب و استثمار بیشتر توده های رنج و کار و بریدن هر گونه زبان اعتراضی و در سوی دیگر به یغما بردن سرمایه های ملل منطقه توسط امپریالیستها بسرکردگی امریکا و تثبیت موقعیت رژیم اسرائیل و تقویت گروههای مرتجع و دول سرسپرده که همگی در یک راستا به هدف جلوگیری از شورش کارگران و

توده های ستم دیده که تنها خطرست برای نظامهای دیکتاتوری و امپریالیسم جهانی دلیل این ادعاست. نگاهی به خیزشهای توده های تحت ستم و استثمار در کشورهای خاورمیانه و شاخ افریقا و الترناطیو سازی های صورت گرفته توسط یاغیان سرکش امپریالیسم و نقش مذوران بومی درس بزرگی است بر جنبش کارگری و کمونیست های انقلابی. مسلم است حتی اگر به احتمال یک درصد چنین جنگی اتفاق بیافتد وظیفه ی کمونیستها همراه با کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان آگاه و انقلابی و توده های رنج و کار سازماندهی بر علیه هر دو جبهه ارتجاع و امپریالیسم و تقویت جبهه انقلابی با آلترنایتو سوسیالیستی خواهد بود. وظیفه ای که نه فقط بر پایه تبلیغات تصنعی جنگ، بلکه هدف اصلی ما در مبارزات روزمره می باشد. در هر حال دیر نخواهد بود سرنگونی رژیم اهریمن و رهایی از یوغ استثمار سرمایه، که بشارت بهار آزادی لبخند ماندگار نوروز را سر دمد.

بهارتان خجسته و نورورتان پیروز باد!

savalan67@hotmail.com

روزبه (کوراغلی)

۲۸ اسفند ۱۳۹۰